

## آئین سیاست در اندیشه سیاسی سعدی علیه رحمة

مجیب الرحمن دهانی\*

محمد مرادی\*\*

### چکیده

جایگاه بلند سعدی در ادب پارسی آشکارتر از آن است که نیازی به یادآوری و تأکید داشته باشد؛ زیرا سخنان روشن او، بی هیچ گمانی، گسترده تر از گفته‌های هر سخنور دیگر در ذهن و زبان فارسی زبانان جاری است. شیخ سعدی حقایق را چنان بی پرده فریاد کرده که در هیچ عصر و زمانی کسی به این صراحت سخن نگفته است و عجب تر اینکه در همان هنگام تنها به صاحبان اقتدار دنیا نپرداخته؛ بلکه از تشریح احوال زاهد و عابد ریایی، وقاضی فاسد، و صوفی دنیادار، و پوچ بودن عبادت و ریاضت بی صدق و صفا خودداری نکرده است و عجب بصیرتی به احوال مردم و طبایع و افکار ایشان و اوضاع جهان و جریان کار روزگار دارد سعدی، فیلسوف زندگی و شاعر خودبازیابی است و در پرتو بازتاب‌های آب رکن آباد، شاعر روشنایی در روشنایی و نقاش خود آگاهی در خود آگاهی است. مقاله‌ی پیش رو در خصوص کشورداری و سیاست در نگاه سعدی نگارش یافته که وضعیت حکومت و سیاست قرن هفتم را نشان می‌دهد. در این مقاله، به نهادهای سیاسی، رفتار حاکمان و عاملان، جنگ و صلح و بخشش‌ها و مجازات‌ها پرداخته شده و صاحبان اقتدار، به حُسن سیاست و دادگری و رعیت پروری دعوت شده‌اند.

**کلید واژه:** سعدی، سیاست، مصلحت اندیشی، جهان بینی

\* مجیب الرحمن دهانی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

Dehanimojibv2@gmail.com

\*\* دکتر محمد مرادی، مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سراوان، سیستان و بلوچستان، ایران

Moradimohammad3503@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵



## مقدمه

ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرّف، متخلص به سعدی (۶۰۶ - ۶۹۰ هجری قمری)، شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی است. اهل ادب به او لقب استادِ سخن، پادشاهِ سخن، شیخِ اجلّ و حتی به‌طور مطلق، استاد داده‌اند. او در نظامیه بغداد — که مهم‌ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به حساب می‌آمد تحصیل و پس از آن به عنوان خطیب به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سعدی سپس به زادگاه خود، شیراز، برگشت و تا پایان عمر آنجا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده است که به سعديه معروف است عمده عمر او مصادف با حکومت اتابکان فارس در شیراز و هم‌زمان با حمله مغول به ایران و سقوط بسیاری از حکومت‌های وقت نظیر خوارزمشاهیان و عباسیان بود. البته سرزمین فارس، به واسطهٔ تدابیر ابوبکر بن سعد، ششمین و معروف‌ترین اتابکان سلغری شیراز، از حمله مغول در امان ماند. همچنین قرن ششم و هفتم هجری مصادف با اوج‌گیری تصوف در ایران بود و تأثیر این جریان فکری و فرهنگی در آثار سعدی قابل ملاحظه است. نظر اغلب سعدی‌پژوهان بر این است که سعدی تحت تأثیر آموزه‌های مذهب شافعی و اشعری و بنابراین تقدیرگرا است. در مقابل، نشانه‌هایی از ارادت وی به خاندان پیامبر اسلام مشاهده می‌شود. سعدی بیش از آن که تابع اخلاق به‌صورت مطلق و فلسفی آن باشد، مصلحت‌اندیش است و ازین رو اصولاً نمی‌تواند طرفدار ثابت و بی‌چون‌وچرای قاعده‌ای باشد که احیاناً در جای دیگری آن را بیان کرده است. برخی از نوگرایان معاصر ایران آثار او را غیراخلاقی، بی‌ارزش، متناقض و فاقد نظم سیستماتیک قلمداد کرده‌اند سعدی تأثیر انکارناپذیری بر زبان فارسی گذاشته است؛ به طوری که شباهت قابل توجهی بین فارسی امروزی و زبان سعدی وجود دارد. آثار او مدت‌ها در مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها به‌عنوان منبع آموزش زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شده و بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی از آثار وی اقتباس شده است. او بر خلاف بسیاری از نویسندگان معاصر یا پیش از خود، ساده‌نویسی و ایجاز را در پیش گرفت و توانست — حتی در زمان حیاتش — شهرت زیادی به دست آورد. آثار سعدی اصطلاحاً سهل ممتنع است و در آن‌ها نکته‌سنجی و طنز آشکار یا پنهان ملاحظه می‌شود آثار وی در کتاب کلیات سعدی، شامل گلستان به نشر، کتاب بوستان در قالب مثنوی و نیز غزلیات،



گردآوری شده است. علاوه بر این او آثاری در سایر قالب‌های ادبی نظیر قصیده، قطعه، ترجیع‌بند و تک‌بیت به زبان فارسی و عربی نیز دارد. غزلیات سعدی، اغلب عاشقانه و توصیف‌کننده عشق زمینی است هرچند که وی غزلیات پندآموز و عارفانه نیز سروده است. گلستان و بوستان به عنوان کتاب‌های اخلاقی شناخته می‌شوند و علاوه بر فارسی‌زبانان، بر اندیشمندان غربی از جمله ولتر و گوته نیز تأثیرگذار بوده‌اند.

سعدی در زمان حیات شهرت فراوانی داشت. آثار او حتی در هندوستان، آسیای صغیر و آسیای میانه به زبان فارسی یا به صورت ترجمه در دسترس مخاطبانش قرار داشت. او نخستین شاعر ایرانی است که آثارش به یکی از زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان از سبک وی تقلید کرده‌اند. حافظ از جمله شاعرانی بوده که تحت تأثیر سبک سعدی به سرودن غزل پرداخته است. در ادبیات معاصر نیز نویسندگانی مانند محمدعلی جمال‌زاده و ابراهیم گلستان از او تأثیر پذیرفته‌اند. آثار سعدی بعدها به موسیقی هم راه پیدا کرد و بسیاری از غزل‌های او را خوانندگانی چون تاج اصفهانی، محمدرضا شجریان و غلامحسین بنان خواندند. به منظور تجلیل از سعدی، اول اردیبهشت، روز آغاز نگارش کتاب گلستان، در ایران روز سعدی نامگذاری شده است (رقابی، ۱۳۶۹، ۱۲۰).

### وضعیت سیاسی زمانه سعدی

مسیر حمله مغول به مناطق مختلف جهان که از ۱۲۰۶ تا ۱۲۲۱ میلادی طول کشید مهم‌ترین واقعه قرن هفتم هجری، حمله مغول به ایران است. حمله مغول در سال ۶۱۶ هجری توسط چنگیز آغاز شد و در نهایت در سال ۶۵۶ هجری با تصرف بیشتر قسمت‌های سرزمین ایران و عراق توسط هلاکو به سرانجام رسید. این هجوم با ویران کردن شهرها، سوزاندن کتابخانه‌ها و غارت و کشتار مردم همراه بود. چند میلیون نفر از مردم در این حملات کشته شدند و بسیاری از شهرها با خاک یکسان شدند. اولین سرزمینی که مورد هجوم واقع شد، سرزمین فرارود بود و این حملات باعث شد تا بخشی از مردم به مناطق امن‌تر مانند فارس، اصفهان، هند و آسیای صغیر پناه ببرند.



سعدی در زمان حکومت اتابکان فارس (یا سلغریان) می‌زیست. این سلسله از سال ۵۴۳ هجری شروع شد و نزدیک به صد و پنجاه سال بعد، یعنی در سال ۶۸۵ هجری، به پایان رسید. ششمین و مشهورترین اتابک این سلسله ابوبکر بن سعد بود که در سال ۶۲۳ هجری به امارت رسید و ۳۵ سال حکومت کرد. پدر وی، سعد بن زنگی تبعیت سلطان محمد خوارزمشاه را پذیرفته بود؛ با از بین رفتن خوارزمشاهیان منطقه فارس به سبب تدبیر ابوبکر بن سعد از تجاوز مغول در امان ماند؛ وی با پذیرفتن اطاعت خان مغول، اجازه سلطنت در فارس (یرلیغ) را از جانب اوگتای خان، امپراتور مغول دریافت کرد. بعداً هلاکوخان، سرسلسله ایلخانان، هم حکومت وی را بر فارس تأیید کرد. او در سال ۶۵۶ هجری، عده‌ای از سپاه خود را برای کمک به هلاکوخان در تسخیر بغداد گسیل کرد. حمله هلاکو به بغداد منجر به انقراض حکومت عباسیان و کشته شدن مستعصم، آخرین خلیفه عباسی شد. اما ابوبکر بن سعد، در سال ۶۵۸ هجری در شیراز درگذشت و پسرش سعد بن ابوبکر هم در راه بازگشت از اردوی ایلخان در منطقه تفرش درگذشت هلاکو در سال ۶۶۷ امیر انکیانو را به سمت فرماندار مغول در فارس منصوب کرد. (رقابی، ۱۲۵، ۱۳۶۹)

### فرهنگ و ادبیات

قرن ششم و هفتم هجری مصادف است با اوج‌گیری تصوف، که زمینه گسترش آن از قرن پنجم هجری با پاسخگویی ابو حامد محمد غزالی به شبهات و ایجاد آشتی بین شرع و تصوف فراهم شده بود. در این دوران بسیاری از مشایخ صوفیه از جمله عبدالقادر گیلانی و شهاب‌الدین عمر سهروردی ظهور کردند. بسیاری از مکاتب صوفیه از جمله قادریه، سهروردیه و کبرویه بنیان‌گذاری شدند و خانقاه‌های بسیاری ساخته شدند. بسیاری از امرا، وزرا و سلاطین از جمله مستنصر عباسی، طغرل سلجوقی و خواجه نظام الملک از مشایخ صوفیه حمایت کردند. در این دوره، عناصر صوفیانه در اشکال مختلف به شعر و نثر فارسی راه یافت و عالی‌ترین مظاهر شعر تعلیمی در حدیقه سنایی و بعد از آن در اشعار عطار و مولوی نمایان شد. [۵] سهروردی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم فلسفه اشراق را با استفاده از آثار صوفیه، منابع فلسفه یونانی و حکمت خسروانی پایه‌گذاری کرد. فلسفه اشراق هم مبتنی بر استدلال عقلی و هم سیر و سلوک عرفانی



است او در صدد زنده کردن حکمت ایرانی در بین ایرانیانی بود که دین اسلام را پذیرفته بودند و ختم شدن حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی یکی از ابعاد تحولی است که در این دوران به وقوع پیوست.

با روی کار آمدن حاکمان سلجوقی و پس از آن ایلخانی - که علاقه‌ای به شعر نداشتند - سرودن مدیحه در آمدی برای شاعران ایجاد نمی‌کرد و در نتیجه قصیده که قالب متداول مدح در دوران پیشین بود، کم‌کم اهمیت خود را از دست داد. در نقطه مقابل، از آنجا که غزل قالب مناسبی برای بیان مضامین عارفانه و عاشقانه است، شاعران غزل‌سرا ظهور کردند و پایه‌های غزل استوارتر شد. سنایی نخستین شاعری است که به جد به سرودن غزل عارفانه و عاشقانه روی آورد و زمینه را برای تکامل آن در آثار شاعران بعد از خود، از جمله عطار، خاقانی، نظامی، سعدی، مولوی و حافظ فراهم کرد. از سوی دیگر، روزگار سعدی مقارن با متداول شدن سبک عراقی در ادبیات فارسی است. رواج سبک عراقی به اواخر قرن ششم هجری و روی کار آمدن سلجوقیان بازمی‌گردد. در این دوره بسیاری از حکما و ادبا به مناطق مرکزی و جنوبی ایران مهاجرت کردند که به عراق عجم شهرت داشت. این روند مهاجرت با هجوم مغول به ایران سرعت و شدت بیشتری گرفت. با انتقال کانون‌های تأثیرگذار بر زبان فارسی به مناطق مرکزی و جنوبی، زمینه بروز تغییرات در سبک سخنوری فارسی (که به سبک خراسانی مشهور بود) پدید آمد. در این دوران با نفوذ زبان عربی در زبان فارسی، بسامد استفاده از واژه‌ها و ترکیب‌های عربی در شعر و نثر فارسی بیشتر شد و نثر فنی متکلفانه نیز رواج پیدا کرد. کتاب مقامات حمیدی نمونه‌ای از این نوع نثر است. در قرن ششم، غلبه زبان عربی بر فارسی به قدری زیاد شد که نویسندگان فارسی‌زبان به خلق آثار عربی روی آوردند و اگر هم به زبان فارسی می‌نوشتند، آن را با کلمه‌ها و ترکیب‌های عربی می‌آمیختند؛ به طوری که آثار این دوره پر از اشعار و اصطلاحات عربی و استدلال‌ات قرآنی است. نویسندگان این عصر، در جستجوی سجع، به استفاده از واژگان نامأنوس روی آورده بودند و صفت جوهری نثر که انتقال مفهوم به ذهن خواننده است، کاملاً کمرنگ شده بود. در سده هفتم هجری، از آنجا که حاکمان ایلخانی علاقه زیادی به ثبت وقایع تاریخی داشتند، زمینه گسترش تاریخ‌نگاری فراهم شد که از آن جمله می‌توان به جامع التواریخ و تاریخ جهانگشا اشاره کرد. (رقابی، ۱۳۲، ۱۳۶۹)



## گرایش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی سعدی

### جهان‌بینی سعدی

اگرچه سفر به مناطق مختلف و همنشینی با حکیمان و دانشمندان نقش مهمی در شکل‌گیری عقاید سعدی دارد. اما او بیش از هر چیز تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی است که در شیراز و بغداد فرا گرفته است. سعدی به پیروی از اشاعره فلسفه و هرگونه تفکر خارج از دایره تعالیم شرعی را گمراهی می‌داند و معتقد است که در هر امری باید تابع قرآن و حدیث بود. سعدی تقدیرگراست و حتی افتادن برگی از درخت را ناشی از اراده خداوند می‌داند؛ پس خوبی و بدی در ذات انسان‌ها سرشته شده و قابل تغییر نیست. نکته بارز دیگری که در مورد عقاید سعدی می‌توان ذکر کرد، نوع دوستی و تلاش برای اصلاح جامعه است. این جنبه از تفکر او که از آن با عنوان حکمت عملی نام می‌برند، در اشعار و آثار سعدی نمود بارز و برجسته‌ای دارد. مفاهیمی از قبیل پرستش‌خدا، یگانه، نکوهش ریاکاری، فروتنی، خدمت به خلق، انسان‌دوستی، کار و تلاش، عدالت و مواردی از این دست در اشعار وی و به ویژه در بوستان به دفعات توصیه شده است. سعدی خود را مصلحی اجتماعی و آموزگاری اخلاقی می‌داند که با پند و اندرز تلاش می‌کند در مقابل ظلم و نابرابری بایستد یا دست کم تا حدی از عوارض آن بکاهد او در طول عمر خود با دربار پادشاهان مختلفی در ارتباط بود. اما آزادی‌اندیشه و آزادی قلم خود را از دست نداد و ترجیح داد در قصیده‌های خود، به جای ثنا گفتن امیران و وزیران، آن‌ها را پند و اندرز دهد.

### عرفان و تصوف سعدی

سعدی را نمی‌توان صوفی یا عارف قلمداد کرد؛ اما در عین حال، نمی‌توان او را یکسره مخالف یا بیگانه با تصوف دانست. تصوف و عرفان در قرن هفتم هجری بسیار رایج بود. سعدی هم به عنوان یکی از عالمان زمان خود، به واسطه تحصیل در بغداد و نشست و برخاست با عارفان معاصر خود نظیر شیخ شهاب‌الدین عمر بن محمد سهروردی در معرض اندیشه‌های عرفانی قرار داشت. او در گلستان می‌گوید که ابوالفرج جوزی او را به ترک سماع دعوت کرده بود و به همین دلیل، بدیع‌الزمان فروزانفر، او را در زمره صوفیان دیندار (متشرع) قرار می‌دهد. سعدی در حکایات



گلستان و بوستان رویکردی دوگانه نسبت به مقوله تصوف دارد؛ گاهی به تمجید از عارفان می‌پردازد؛ نظریه تصوف و عرفان را تبیین می‌کند، از آراء و روش‌های اصولی تصوف برداشت می‌کند و بازتاب آن را در اخلاق و رفتار صوفیان بزرگ (ابدال) مانند جنید بغدادی، شبلی نعمانی و بایزید بسطامی به تصویر می‌کشد. با این حال، گاهی صوفیان را مردمی بیکار و بی‌بندوبار می‌شمارد و به انتقاد از جماعتی می‌پردازد، که تصوف را بهانه‌ای برای تن‌پروری و شهوت‌رانی قرار داده‌اند.

رشید یاسمی، زبان‌شناس، بر این عقیده است که همه غزل‌های سعدی عارفانه است و تصویر عشق زمینی در اشعار سعدی، وسیله‌ای برای رساندن مفهوم عشق حقیقی اهل تصوف است اما بسیاری دیگر از صاحب‌نظران از جمله محمدعلی فروغی، همایون کاتوزیان و ضیاء موحد این نظر را رد می‌کنند. حدود ده درصد از غزل‌های سعدی، عرفانی یا شبه‌عرفانی است. اما حتی در این اشعار نیز شور و شغف عارفانه، چنان‌که در غزلیات مولوی هست، وجود ندارد. سیدعلی قاضی طباطبایی، عارف شیعه قرن سیزدهم و چهاردهم، سعدی را اگرچه فردی حکیم و دانشمند می‌دانست، اما معتقد بود که «در اشعار او بویی از عرفان به مشام نمی‌رسد.» وی تنها از غزلی با مطلع «به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست» به عنوان غزلی «آبدار و شیرین» یاد کرده است. به عقیده روبن لوی، استاد دانشگاه کمبریج، فلسفهٔ سعدی، عملی و عادی است و جنبه متافیزیکی ندارد؛ سعدی درباره اندیشه‌های صوفیانه به شکل جامع و دقیق سخن نمی‌گوید و نگاه او به عارفان برجسته به عنوان معلم اخلاق است و به همین دلیل، رویکرد سعدی با مولوی متفاوت است. یان ریپکا نیز می‌گوید توجه سعدی نه به اندیشه‌های انتزاعی عارفانه، بلکه به کاربرد آن در زندگی عادی معطوف بوده است. به نظر باریه دومنار، شرق‌شناس فرانسوی، سعدی تمایل جدی به تصوف نداشت. اما از آنجا که در عصر او، تصوف مانند مذهب یک عامل تربیتی عمومی بود، از آن برکنار نماند و از چاشنی تصوف در آثار خود بهره گرفت.



### مصلحت‌اندیشی سعدی

سعدی بیش از آن که تابع اخلاق به صورت مطلق و فلسفی باشد، مصلحت‌اندیش است و ازین رو اصولاً نمی‌تواند طرفدار ثابت و بی‌چون و چرای قاعده‌ای باشد که احیاناً در جای دیگری آن را بیان کرده است. مثلاً راست‌گویی یک ارزش است؛ اما ممکن است شرایطی واقع شود که مصلحت، دروغ گفتن را ایجاب کند. سعدی در اولین حکایت از فصل اول گلستان، شرایطی را تصویر کرده است که در آن ارزش راست‌گویی زیر پا گذاشته می‌شود؛ در غیر این صورت نادانی پادشاه و بی‌رحمی وزیرانش باعث کشتار بی‌مورد می‌شود. سعدی در عالم واقع نیز به‌طور مطلق از یک سری قواعد اخلاقی ثابت پیروی نکرده است. او از جمله شاعرانی است که چالپوسی را نمی‌پسندد و ترجیح می‌دهد در قصیده به جای مدح گفتن، تذکر بدهد. او هلاکو خانی را، که آخرین خلیفه عباسی را به قتل رسانده است، تمجید و در همان زمان، برای خلیفه مقتول نیز سوگواری می‌کند؛ حال آن که حاکم شیراز - که سعدی او را نیز تمجید کرده است - برای شکست دادن همین خلیفه، لشکری را به کمک هلاکو خان گسیل کرده بود.

### مفهوم‌شناسی سیاست

در «لغت‌نامه‌ی دهخدا» سیاست این‌گونه تعریف شده است: «حکومت، ریاست، داوری، حراست، حفاظت» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۸۶۵). در «فرهنگ معین» سیاست یعنی حکم راندن بر رعیت و اداره‌ی امور مملکت حکومت، ریاست، عدالت، داوری، اداره‌ی امور داخلی و خارجی کشور (معین، ۱۳۸۸: ۸۵۸)

حسن انوری در «فرهنگ سخن» سیاست را: «حساب‌گری‌های زیرکانه و منفعت‌جویانه» می‌داند (انوری، ۱۳۸۳: ۹۷۵). در «فرهنگ عمید» سیاست یعنی: اداره کردن امور مملکت، مراقبت امور داخلی و خارجی کشور؛ اصلاح امور خلق و مردم‌داری (عمید، ۱۳۶۲: ۱۲۵۶)

۳. آشوری در «دانشنامه‌ی سیاست»، هر امری را که مربوط به دولت، مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد از مقوله‌های امور سیاسی می‌داند (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۱۲)





### اصول و موازین سیاسی از دیدگاه سعدی

#### ناپسند داشتن گزند دیگران

به نظر سعدی اگر پادشاه موجب گزند و آزار رعیت گردد، بویی از آسایش و آرامش در سرزمین او به مشام نخواهد رسید گزند کسانش نباید پسند که ترسد که در ملکش آید گزند و گر در سرشت وی این خوی نیست در آن کشور آسودگی بوی نیست (بوستان، باب ۱: ۲۱۱)

ارسطو، حکیم نامدار یونانی، گوید: «چون جور پادشاه بسیار گردد، پادشاهی بشورد و چون دروغ گسترده شود، کینه خیزد و از کینه، جنگ و عداوت و تباهی دین بود و از تباهی دین، ویرانی جهان بود، و از ویرانی جهان، خون ریختن و زوال خواسته» (خردنامه: ۹۳)

#### ناپسند داشتن گزند به دیگران

به نظر سعدی اگر پادشاه موجب گزند و آزار رعیت گردد، بویی از آسایش و آرامش در سرزمین او به مشام نخواهد رسید. گزند کسانش نباید پسند که ترسد که در ملکش آید گزند و گر در سرشت وی این خوی نیست در آن کشور آسودگی بوی نیست (بوستان، باب ۱، ص. ۲۱۱)

مجازات خراب کاران و مفسدان سعدی برای خراب کارانی که در مملکت، آشوب و نفاق انگیزند دو نوع مجازات پیش نهاد می‌کند.

غریبی که پر فتنه باشد سرش میازار و بیرون کن از کشورش و گر پارسی باشدش زادبوم



به صنعاش مفرست و سقلاب و روم  
هم آن جا امانش مده تا به چاشت  
نشاید بلا بر دگر کس گماشت  
که گویند برگشته باد آن زمین  
کز مردم آیند بیرون چنین (بوستان، باب ۱، ص. ۲۱۳)

### رازداری در مسایل سیاسی

سعدی توصیه می کند که در مسایل جنگ و حکومت باید رازدار بود و اسرار نظامی را منتشر  
نساخت و در نهان به چاره‌ی کار پرداخت و تدارکات جنگی را از همگان پوشیده داشت.  
به تدبیر جنگ بداندیش کوش  
مصالح بیندیش و نیت بپوش  
منه در میان راز با هر کسی  
که جاسوس هم کاسه دیدم بسی (بوستان، باب ۱، ص. ۲۵۳)

### نگنجیدن دو پادشاه در یک ملک (وحدت حکومت)

مسلم است که در هر مملکتی تنها یک پادشاه می گنجد و وجود «دو پادشاه اندر ولایتی» غوغا و  
فتنه به پا خواهد کرد، زیرا، پادشاهان، ظالم و زورگو هستند و دو فرد زورگو نمی توانند در یک  
جا زندگی کنند.

«ادوارد براون» نیز به همین نکته اشاره می کند و در کتاب خود می نویسد:  
سلطان محمد عثمانی در پاسخ نامه‌ی شاهرخ در عذرخواهی از قتل سه بردار خود، به سخن  
سعدی استشهاد می کند که: «ده درویش در گلیمی بخشند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند»



### سپردن سلطنت به جانشین

طبق سنت دیرینه هر پادشاهی قبل از مرگ خود، فرد مناسبی را جانشین خود قرار می‌دهد که این مقام نیابت در درجه‌ی اول از آن پسر پادشاه خواهد بود. هم‌چون آلب ارسلان که پسرش بعد از وی تاج پادشاهی را بر سر نهاد، یا همانند ابوبکر سعد که بعد از پدرش، سعد زنگی، به حکومت پارس رسید. گاهی نیز «سلطنت ران صاحب شکوهی» چون «در دوده، قایم مقامی» نداشته است و کشور را به شیخی می‌سپارد.

### گرامی داشتن مسافران و بازرگانان

سعدی درباره‌ی بیگانگان نیز دستورالعملی دارد و می‌گوید: نباید خاطر بازرگانان را آزاد، بلکه باید راه و رسم پسندیده و مقبولی با بازرگانان دیگر نقاط داشت و با سوداگران و بازرگانان به خوبی رفتار نمود و در بهبود حال آنان توجه کرد، زیرا، کشوری که بیگانگان از آن رنجیده دل گردند، دیری نباید که به تباهی گراید و ویرانی بدان جا راه یابد، زیرا، سیاح و جهان گرد نام نیک را از جایی به جایی می‌برد؛ و به هر حال، عقیده دارد که مهمان را باید محترم شمرد و مسافر را باید گرامی داشت، ولی، احتراز از بیگانه را نیز لازم دانسته است.

غریب آشنا باش و سیاح دوست      که سیاح، جلاب نام نکوست  
نکودار ضعیف و مسافر عزیز      وز آسایشان بر حذر باش نیز  
ز بیگانه پرهیز کردن نکوست      که دشمن توان بود در زی دوست  
(بوستان، باب ۱، ص. ۲۱۳)

### رعایت عدالت و دادگری

اساس عالم مطلوب سعدی، عدالت است و دادگستری. یا به تعبیر او «نگهبانی خلق و ترس خدای». به همین سبب نخستین و مهم‌ترین باب بوستان خود را بدین موضوع اختصاص داده است. وی فرمان روایی را می‌پسندد که روی اخلاص بر درگاه خداوند نهد؛ روز، مردمان را حکم گذار باشد و شب، خداوند را بنده‌ی حق گزار، زیرا، معتقد است کسی که از اطاعت خداوند سر نیچد هیچ



کس از حکم او گردن نخواهد پیچید. پندهایی از زبان پدر به هرمز و نصیحت پدر به شیرویه نیز به منزله‌ی زمینه و طرحی است برای پدید آوردن چنین دادپیشگی و دنیایی

شـنیدم که در وقت نـزع روان	به هرمز چنین گفت نوشیروان
که خاطر نگه دار درویش باش	نه در بند آسایش خویش باش
خرابی و بدنامی آید ز جور	رسد پیش بین این سخن را به غور
بر آن باش تا هرچه نیت کنی	نظر در صلاح رعیت کنی
الا تا نیچی سر از عدل و رأی	که مردم ز دستت نیچند پای
گریزد رعیت ز بی‌دادگر	کند نام زشتش به گیتی سمر
از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست	که در ملک رانی به انصاف زیست

(بوستان، باب ۱، صص. ۲۱۲۲۱۱)

به این ترتیب، سعدی پیشرفت حکومت را متکی بر پیوند با مردم می‌داند. برای استقرار عدالت، به عقیده‌ی او راه آن است که در هر کار صلاح رعیت در نظر گرفته شود. اشخاص خداترس را بر مردم بگمارند و به کسی که مردم از آنان در رنج‌اند کاری نسپارند. پیروزی در آن است که مردم راضی باشند و خوش دل. در جهان مطلوب سعدی، ستم و بیداد مذموم است از این رو، کیفر دادن به عامل ظلم دوست بر فرمانروا واجب می‌نماید. در ولایتی که راهزنان قدرت یابند لشگریان را مقصر می‌داند و مسؤول. در مدینه‌ی فاضله‌ی سعدی رعایت خاطر غریبان نیز به همان نسبت واجب است که ادای حق مردم بومی. بی سبب نیست که از زبان مردی در بر و بحر سفر کرده و ملل مختلف آزموده و دانش آموخته، بهترین صفت شهری را آسوده دلی مردم آن جا می‌شمرد. جهان داری موافق شریعت، مطلوب سعدی است و کشتن بدکاران را به فتوای شرع روا می‌داند هر قدر دادگری در جهان اندیشه‌ی سعدی مطلوب است و سودمند، بیداد زشت است و زیان خیز. جامعه‌ی عدالت پیشه‌ای که سعدی آرزومند است وقتی انسانی تر جلوه می‌کند که عاقبت بیدادگری در نظر گرفته شود. از این رو، گاه از سرنوشت دو برادر سخن می‌رود: یکی عادل و دیگری ظالم که اولی پس از مرگ پدر به واسطه‌ی عدل و شفقت در جهان نامور شد و دیگری ستم ورزید و دشمن بر او دست یافت



شنیدم که در مرزی از باخت  
مقرر شد آن مملکت بر دو شاه  
به حکم نظر در به افتاد خویش  
یکی عدل تا نام نیکو برد  
یکی عاطفت سیرت خویش کرد  
سر آمد به تأیید ملک از سران  
دگر خواست کا فزون کند تخت و تاج  
چو اقبالش از دوستی سریتافت

برادر دو بودند از یک پدر  
که بی حد و مر بود گنج و سپاه  
گرفتند هر یک یکی راه پیش  
یکی ظلم تا مال گرد آورد  
درم داد و تیمار درویش کرد  
نهادند سر بر خطش سروران  
ببفزود بر مرد دهقان خراج  
به ناگاه دشمن بر او دست یافت

(بوستان، باب ۱، صص. ۲۳۱۲۳۰)

### رعایت احتیاط در برخورد با دشمن

در روابط با انسان‌ها، درباره‌ی، حتی، خردترین دشمنان، بویژه آنان که از انسان بیم دارند باید جانب احتیاط را رعایت نمود: «هرمز را گفتند: از وزیران پدر چه دیدی که همه را در بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بیکران است و برعهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش، آهنگ هلاک من کنند پس، قول حکما را کار بستم که گفته‌اند»:

از آن کز تو ترسد بترسای حکیم  
از آن مار برپای راعی زبند  
نبینی که چون گربه عاجز شود  
و گر با چند صد، برآیی به جنگ  
که ترسد سرش را بکوبد به سنگ  
برآرد به چنگال، چشم پلنگ

(گلستان، باب ۱، ص. ۴۵)

قبول هیچ خواری و زبونی پسندیده نیست و دشمن ماجراجو را سبک شمردن مصلحت نه، اما، در این جا نیز از تدبیر و مدارا غافل نباید بود  
عدو را به فرصت توان کند پوست  
اگر دشمنی پیش گیرد ستیز  
پس، او را مدارا چنان کن که دوست  
به شمشیر تدبیر، خونش بریز



چو دست از همه حیلتی در گسست  
 اگر صلح خواهد عدو، سرمپیچ  
 که گروی بیندد در کارزار  
 توهم جنگ را باش چون کینه خواست  
 گر او پیش دستی کند غم مدار  
 به اسبان تازی و مردان مرد  
 در این صورت، قدر و هیبت تو افزون گردد و کیفر خدایی شروع جنگ را که مکافایی عظیم،  
 نخواهی داشت. سعدی، جنگ آوری را بر دو نوع می‌داند و بس  
 یکی پیش خصم آمدن مردوار  
 دوم جان به در بردن از کارزار  
 (بوستان، باب ۴، ص. ۳۱۵)

### پنهان کاری و استتار نیز از فنون جنگ است

به تدبیر جنگ بدانندیش کوش  
 منه در میان راز با هر کسی  
 سکندر که با شرقیان حرب داشت  
 چو بهمن به زاولستان خواست شد  
 اگر جز تو داند که عزم تو چیست  
 دشمن سرسخت را در هر لحظه‌ی ممکن باید از بین برد و اجازه‌ی زه کرده کمان به او نداد چون  
 این آتش کینه، جهان را خواهد سوزاند و زندگانی تو را نیز به باد خواهد داد.  
 چو از کار مفسد خبر یافتی  
 که گر زنده‌اش مانی، آن بی‌هنر  
 و گر سر به خدمت نهد بر درت  
 فریبنده را پای در پی مننه  
 ز دستش برآور چو دریافتی  
 نخواهد تو را زندگانی دگر  
 اگر دست یابد ببرد سرت  
 چو رفتی و دیدی امانش مده  
 (بوستان، باب ۸، ص. ۳۷۶)



باید دانست که تفرقه در سپاه دشمن، نوید پیروزی است. بنابراین، در ایجاد و تشدید آن باید کوشید

چو در لشکر دشمن افتد خلاف تو بگذار شمشیر خود در غلاف  
چو دشمن به دشمن بود مشغول تو با دوست بنشین به آرام دل  
و در مقابل، تفرقه‌ی سپاه دشمن، باید به اتحاد سپاه خود اندیشید، زیرا:

پشه چو پر شد بزند پیل را با همه تندی و صلابت که اوست  
مورچگان را چو بود اتفاق شیر ژیان را بدرانند پوست  
(بوستان، باب ۳، ص. ۱۱۷)

در غیر این صورت:

چو بینی که یاران نباشند یار هزیمت زمینان، غنیمت شمار  
بیندیش در قلب هیچجا، مفر چه دانی که زان که باشد ظفر؟  
چو بینی که لشکر زهم دست داد به تنها مده جان شیرین به باد  
در گرمای جنگو جدال از جست و جوی راه صلح نیز غافل نباید بود بخصوص اگر سپاهیان خصم  
بیش از سپاه خودی باشند

چون شمشیر پیکار برداشتی نگره دار پنهان ره آشتی  
که لشکر شکوفان مغفرشکاف نهران صلح جستند و پیدا مصاف  
چون خیل تو صد باشد و خصم تو هزار خود را به هلاک می‌سپاری هوش دار  
تا بتوانی برآور از خصم، دمار چون جنگ ندانی آشتی عیب مدار  
(رباعیات، ص. ۸۴۴)

باید آگاه بود که در آهنگ صلح دشمن ممکن است فتنه‌ها خفته باشد

نگویم ز جنگ بدانندیش ترس در آوازه‌ی صلح از او بیش ترس  
بسا کس به روز، آیت صلح خواند چو شب شد سپه بر سر خفته راند

بنابراین، در قرب زمانی و مکانی جنگ، همواره باید آماده بود



زره پوش خسبند مرداوژان که بستر بود خوابگاه زنان  
 به خیمه درون مرد شمشیرزن برهنه نخسبد چو در خانه زن  
 بیاید نهان جنگ را ساختن که دشمن نهان آورد تاختن  
 در صورت تسخیر کشور دشمن، خلاف آیین وحشیان و تهی مغزان که گناه ماجراجوی فراری را  
 به پای مردم شهر می‌نویسند و آتش انتقام را با خون می‌نشانند، باید به رفاه خلق کوشید و اوضاع را  
 به سامان رسانید؛ زیرا  
 که گرباز کوبد در کارزار برآرند عام از دماغش دمار  
 اساساً طبع سعدی از رزم جویی و پیکارستایی به دور است و روح و نفس حماسی ندارد. طبع  
 ملایم و آرامش طلب و آشتی جوی سعدی و روح خسته و رنج دیده و ستم کشیده‌ی محیط  
 اجتماعی او به صلابت و استواری در اشعار او منعکس شده‌اند. سعدی روحیه‌ی صلح طلب خود را  
 در یک بیت صریحاً بیان نموده است  
 به مردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین  
 (بوستان، باب ۱، ص. ۲۲۲)

### به کارگیری دیانت و هوش و درایت در کشور داری

ملک داری به دیانت و فرهنگ و هوش نیازمند است؛ پس پادشاه مست و غافل، لیاقت حکمرانی  
 را ندارد؛ زیرا او پاسبان رعیت و مسئول حفظ جان و مال مردم است و خفتن و غفلت پادشاه به  
 هنگام حراست، شرط کشور داری نیست. (قطعات: ۸۲۹)  
 سعدی در قصیده‌ای که در مدح «انکیانو» دارد می‌گوید:  
 هیچ می‌دانی خرد به یا روان  
 من بگویم گر بداری استوار  
 آدمی را عقل باید در بدن  
 ورنه جان در کالبد دارد حمار  
 ملک بانان را نشاید روز و شب





گاهی اندر خمر و گاهی در خمار (فارسی قصاید: ۷۲۴)

### سازمان‌های اداری کشور

سازمان اداری مورد نظر سعدی، نمونه‌ای از همان سازمان‌های ابتدایی زمان خود اوست. تشکیلات داورى، زیر اداره‌ی مستقیم شاه است و خود او نیز داد خواه می‌باشد. برنامه‌ی تعلیماتی مملکت، مبتنی بر پرورش مردان نظامی و سیاسی باید باشد، یا به عبارت خود اهل رزم و اهل رأی (معبودی، ۱۳۸۵: ۶۹)

دو تن پرور ای شاه کشور گشای

یکی اهل رزم و دگر اهل رأی

ز نام آوران گوی دولت برند

که دانا و شمشیر زن پرورند

قلم زن نکو دار و شمشیر زن

نه مطرب، که مردی نیاید ز زن (بوستان، باب ۱: ۲۵۱)

نظام استخدامی سازمانی که سعدی پیش نهاد می‌کند، بر استخدام کارمندان خدا ترس مبتنی است، او اعتقاد به مبدأ را شرط اساسی هر گونه رهبری از بالاترین نقطه‌ی هرم قدرت تا رهبران رده‌ی میانه و کارمندان جزء می‌داند و گویی که مانند همه‌ی پای بندان مکتب خدا پرستی این اعتقاد بنیادی را پایه‌ی همه‌ی خوبی‌ها می‌داند و اندرز می‌دهد:

زمستکبران دلاور بترس

از آن کاو نترسد ز داور بترس

امین باید از داور اندیشناک

نه از رفع دیوان و زجر و هلاک

بیفشان و بشمار و فارغ نشین

که از صد یکی را نبینی امین (بوستان، باب ۱: ۲۱۳)



### سازمان لشگری

سعدی در موارد متعددی از کارگزاران و مأموران حکومتی نام می‌برد و شرایطی را برای هر گروه ذکر می‌کند. از جمله «محتسب» که کار او نظارت در اجرای احکام دین بود و در مواردی که وظایف امین صلح یا رییس دادگاه بخش را انجام می‌داد صلاحیت و اختیارات او منحصر به نظارت در معاملات تجارته، منع از استعمال اوزان و مقادیر ناقص و منع تقلب در معاملات و ادا نکردن دیون بود، که متأسفانه محتسب به وظایف خود آن گونه که باید عمل نمی‌کرد و حتی امور ممنوع در شرع را نیز مرتکب می‌شد که سعدی به این مورد اشاراتی کرده است (غزلیات: ۴۴۰)

قاضی اربا ما نشیند بر فشانند دست را      محتسب گرمی خورد معذور دارد مست را  
(گلستان، باب ۲: ۸۰)

این محتسب که دشمن چنگ است و خصم نای      یک روز بس که بر در خمّار بگذرد  
(غزلیات: ۱۷۷)

### نتیجه‌گیری

سعدی در آثار گرانسنگ و ارزشمندش از جمله «گلستان» و «بوستان»، درباره علم سیاست و روش‌ها و آئین آن، اخلاق و تدبیر سخن رانده است و جوهر را به کاغذ کشیده استاد سخن فنون سیاست و سیاست‌مداری را در این دو کتاب به وسیله ی نغزترین و زیباترین روش ممکن در قالب شیوا ترین عبارات به رشته تحریر در آورده است. ایشان در این آثار گران قدرش، مدینه‌ی فاضله‌ای را می‌جوید که آکنده از ایمان به خدا، نیکی و صفا، راستی و پاکی، و روشنی و حقیقت باشد. این مدینه‌ی فاضله برای ما آرزو و تصویری می‌آفریند از عالم چنانکه باید باشد- و در دل‌ها این شوق را پدید می‌آورد که در راه ساختن جهانی بهتر و انسانی‌تر باید کوشید نظریات اجتماعی و سیاسی شیخ سعدی بیش از آنکه متأثر از آرمان‌گرایی یا برخاسته از عواطف و احساسات شاعرانه باشد از مصلحت‌اندیشی شاعر و از درک عمیق و بینش دقیق شاعر از اجتماع و از محیطی که در آن زیست کرده و روزگار گذرانده سرچشمه می‌گیرد و بر ادراک و حساسگری استوارند. سعدی معتقد است که در عرصه‌ی سیاست گام نهادن، به ویژه خدمت‌امیران کردن و به اصطلاح



شاعر در «عمل پادشاه بودن» در عین حال که سودمند است بس خطرناک نیز می‌باشد که در این زمینه هوشمندی و حسابگرانه عمل کردن شرط اساسی می‌باشد که باید به آن توجه داشت و استمداد از ذات خداوند در تمام امور سبب چاره‌گری و گره‌گشایی می‌شود.

### منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش، (۱۳۶۶)، دانشنامه‌ی سیاسی، تهران، انتشارات علمی.
- انوری، حسن، (۱۳۸۳)، فرهنگ سخن، تهران، سخن.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، امثال و حکم، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران.
- رقابی، حیدر، (۱۳۶۳)، سعدی و فلسفه‌ی زندگی، چاپ اول، تهران: نشر جیرانپ.
- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۶۵)، گلستان، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران، امیر کبیر.
- .....، (۱۳۷۱)، بوستان، به نگارش محمد علی ناصح، به کوشش خلیل خطیب رهبر انتشارات خوارزمی.
- .....، (۱۳۶۹)، غزلیات سعدی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: نشر مهتاب .
- .....، (۱۳۷۵) گزیده‌ی قصاید سعدی، انتخاب و شرح جعفر شعار، مقدمه‌ی حسن انوری، تهران: نشر علمی.
- عمیدی، حسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.
- معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات گلی.